

نسل کشی:

چه هنگام درس خواهیم گرفت؟

■ نوشته: دکتر پطرس غالی دبیر کل سازمان ملل متحد

■ ترجمه: علیرضا طیب

منبع: International Herald Tribune, April 6, 1995

و دنیای متمدن آن را محکوم ساخته است. همچنین در سند مزبور آمده است که «برای رها ساختن بشریت از چنین بلای نفرت انگیزی به همکاری بین المللی نیاز است». مقاله نامه فوق روشن می سازد که دلایل سنتی اقامه شده در جهت انکار صلاحیت قضایی [چهارم] بین المللی] - همچون ادعای «سیاسی» یا «داخلی» بودن اقدام - را نمی توان در مورد نسل کشی مطرح ساخت.

بنابراین، چرا بار دیگر شاهد تکرار نسل کشی هستیم؟ مکانیسم بین المللی نمی تواند فعالیتی قائم به ذات داشته باشد. اثربخشی این مکانیسم منوط به تمایل و عزم دولت های عضو برای استفاده از منابع سیاسی، انسانی و مالی خود در جهت فعال ساختن آن است.

بهانه رایجی که برای کوتاهی در اقدام بر ضد

رواندا نیم میلیون تن در کام مرگ فرو رفتند.

برخی برای توضیح این حادثه از صفت [دشمنی های] «قبیله ای» استفاده کرده اند، ولی آنچه در رواندا رخ داد نسل کشی بود که برای آن هیچ توضیحی پذیرفتنی نیست.

اما ما مقاله نامه منع و مجازات جنایت کشتار جمعی را که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده در دست داریم. یکصد و هفده کشور به این موافقت نامه

پیوسته اند. حیطة نفوذ قانونی این مقاله نامه تمامی بهنه جهان را در برگرفته، کاربست آن جنبه همیشگی دارد و مسئولیتی که بر دوش طرف های متعاقد گذاشته شده روشن است. این

مقاله نامه تصریح دارد که «نسل کشی براساس حقوق بین الملل جنایت محسوب می شود، با روح و اهداف ملل متحد تعارض دارد

دنیا هنوز درس نگرفته است. در ششم آوریل ۱۹۹۴ هواپیمای حامل رؤسای جمهور بوروندی و رواندا در فرودگاه کیگالی منهدم شد و همه سرنشینان آن جان سپردند. پس از این حادثه و به دنبال آشفتن شدن اوضاع رواندا، کشتارهای گسترده ای صورت گرفت. امروز يك سال از آن ماجرا می گذرد و هنوز هیچ راهی برای برخورد با شرارت هایی که در رواندا رخ می دهد پیدا نشده است.

تا همین چندی پیش دنیا چنین می پنداشت که در صورت وقوع هرگونه نسل کشی، متوجه شده و آن را متوقف خواهد ساخت. تکیه کلام رایج این بود: «دیگر هرگز». ولی از واژه ها به تنهایی کاری برنیامد و اکنون بار دیگر جهان شاهد نسل کشی است.

در کامبوج بیش از يك میلیون نفر قربانی نوعی نسل کشی شدند که به «دلیل» مسلکی صورت می گرفت ولی به کار بردن واژه «دلیل» در مورد چنین جنایتی مجاز نیست. در یوگسلاوی سابق، دشمنی های دیرینی که زیر خاکستر جنگ سرد پنهان مانده بود سربرآورد.

ولی تاریخ مقصر نیست. تجاوز، شکنجه، قتل و ولع زمین خواری از شرارت های این رپوزگار است. در سومالی، جنگ طلبان رقیب عمدا مانع

رسیدن کمک های غذایی به دست گرسنگان و بیماران شدند. بیش از مداخله جهانی در این قضیه، يك سوم میلیون نفر جان سپردند. در





البته نشانه‌هایی از پیشرفت به چشم می‌خورد. در سال ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل اقدام به تشکیل یک دیوان بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق نمود. این نخستین نمونه از این قبیل دیوان‌هاست که نه به دست پیروزمندان جنگ بلکه توسط کل جامعه بین‌المللی که از مجرای سازمان ملل دست به عمل می‌زند تشکیل شده است.

وجود این دیوان دولت رواندا را بر آن داشت که در ماه اوت خواهان تشکیل دیوان مشابهی برای پیگرد قانونی اشخاصی گردد که ادعا می‌شود در رواندا مرتکب نسل‌کشی شده‌اند. شورای امنیت نیز تصمیم به تشکیل چنین دیوانی گرفت. این دودیوان به لحاظ نهادی با هم پیوند داشته و دارای شعبه استیناف و دادستان مشترکی هستند.

نباید اجازه داد که این تحركات به زوال گراید. ملت‌های جهان نباید بگویند که [امکان] مبارزه خیلی بعید یا بیش از اندازه خطرناک است یا نمی‌تواند معیارهای لازم برای اقدام را برآورده سازد.

شاید به نظر رسد که بهتر است چیزی ندانیم؛ بی‌خطرتر است که دست به اقدام نزنیم؛ و ساده‌تر است که دیده‌ها را به سونی دیگر برگردانیم. ولی اینگونه رفتارها نوعی شرکت در جرم است. روح مشترک بشری وظیفه‌ای بر دوش همه ما می‌گذارد که باید به انجامش رسانیم.

میلفی برای گسترده‌تر ساختن ستاد نمایندگی ویژه دبیرکل در مسئله برون‌دنی اختصاص داد. کمیساریای عالی ملل متحد در مسئله حقوق بشر نیز بر حضور خود در این کشور افزود. من مردم کشور برون‌دنی را به خویشتن‌داری و پیروی از عقل دعوت کردم. همچنین از جامعه بین‌المللی خواستم از تلاش‌های صلح در این منطقه به هر نحو ممکن پشتیبانی به عمل آورد.

مسئله نسل‌کشی آزمونی است که در پیش روی ما قرار گرفته و البته ممکن است مانند «نظم نوین»، «همکاری بین‌المللی» و «جامعه جهانی» پیش از پشت سر گذاردن آزمون معنایی نداشته باشد.

اما چگونه می‌توان در همان مراحل اولیه نسل‌کشی، آن را متوقف ساخت؟ نمی‌توان شاهد آن بود که جامعه بین‌المللی تنها هنگامی دست به مداخله بزند که تلخ‌ترین مراحل نسل‌کشی نیز سپری شده است. پس از مداخله چه رخ خواهد داد؟ ممکن است اقدام بر ضد نسل‌کشی مستلزم تعهد به «ایجاد یک ملت» باشد. با برطرف شدن حضور سازمان بین‌المللی چه چیز مانع تکرار کشتارها خواهد شد؟ قطعا نوعی ادامه حضور باید بخشی از هرگونه استراتژی خروج را تشکیل دهد.

هنوز در مورد پاسخ این پرسش‌ها به توافق نرسیده‌ایم شاید تنها از راه تجربه بتوان به پاسخ‌ها دست یافت. ولی وجود این ابهامات نباید بهانه‌ای برای انفعال و عدم اقدام باشد.

نسل‌کشی مطرح می‌شود، اظهار بی‌اطلاعی از وقوع آن است. نسل‌کشی پدیده‌ای نیست که خود به خود بروز کند بلکه توسط رهبران بدخواهی برنامه‌ریزی و عملی می‌شود که می‌پندارند می‌توانند از مجازات آن در امان مانند سودی از قبل آن ببرند. در بیشتر موارد، پیش از شروع کشتار، نشانه‌های فراوانی دال بر وجود خطر نسل‌کشی وجود دارد.

در رواندا سرشت و حجم کشتارها آشکار بود. ولی جامعه بین‌المللی دیر هنگام پاسخ داد.

تعدادی از کشورها نیروهای خود را از جمع نیروهای امداد ملل متحد اعزامی به رواندا (UNAMIR) خارج ساختند. شورای امنیت نیز راهی جز کاهش دادن سطح این نیروها به حداقل ممکن نداشت. با شروع نسل‌کشی، شورای امنیت تصویب کرد که نیروهای بیشتری روانه رواندا شوند ولی در عمل ثابت شد که پیدا کردن چنین نیروهایی ناممکن است. دو میلیون تن از مردم رواندا به زنیرو تانزانیا گریختند که بیشتر آنان هنوز در اردوهای موقت اسکان یافته‌اند.

امروز ممکن است در برون‌دنی کشور همسایه رواندا، نیز شاهد یک نسل‌کشی دیگر باشیم. در ۲۷ مارس رئیس‌جمهور برون‌دنی هشدار داد که کشورش در پی یک هفته خشونت‌های خونین قومی در لبه پرتگاه نسل‌کشی قرار گرفته است. من در مقام دبیرکل سازمان ملل از اعتبارات تحت اختیار خودم